

عاشقانه‌ها؛ عارفانه‌ها

کوروش کمالی‌سروستانی

چکیده:

در این مقاله، نویسنده با نگاهی کوتاه به تکوین شعر غنایی در ادبیات فارسی و روند تکاملی آن در قرن هفتم در شیراز به بررسی درونمایه غزلیات سعدی و تقسیم‌بندی آن به عاشقانه‌ها و عارفانه‌ها پرداخته و بر آن است که اگرچه هنوز در تقسیم‌بندی غزل‌های سعدی اجمالی وجود ندارد، اما بن‌مایه‌ای مشترک وجود دارد و آن عشق است؛ عشقی که همگان آن را به عنوان دغدغه اصلی شاعر در غزل پذیرفته‌اند.

کلید واژه: غزل سعدی، عارفانه، عاشقانه.

اول دفتر به نام ایزد دانا صانع پروردگار حیّ توانا

اکبر و اعظم خدای عالم و آدم صورت خوب آفرید و سیرت زیبا

(سعدی، ۱۳۸۵: ۵۲۱)

پس از اعلام دهه سعدی‌شناسی و گلگشت «در دوران و زندگی سعدی» و «بوستان»

و «گلستان» استاد سخن، اینک به «سال غزل» رسیده‌ایم.

غزلیات سعدی جایگاه ویژه‌ای در میان سروده‌ها و نوشته‌های او دارد. این غزل‌ها،

زاده روح بزرگ و شاعرانه متفکری هستند که بوستان و گلستان را آفریده است و در آن

دو اثر، با تکیه بر حکمت نظری و حکمت عملی به سیر آفاق و انفس پرداخته و می‌توان در غزل‌هایش حاصل تلفیق پرشگون نتایج نظری و عملی این دو اثر را در قلمرو جمال و کمال به فراست دریافت.

«حرکت شعر فارسی از حماسی به روایی و سرانجام به غنایی در واقع نشانه حرکت روحیه و ذوق قوم ایرانی از اسطوره و افسانه به وصف واقعیت، احساس و عاطفه اجتماعی است.» (عبادیان، ۱۳۸۴: ۵۴).

زایش و رشد شعر غنایی، مستلزم رشد فرهنگی جامعه است؛ جامعه‌ای که به احساس و اندیشه فردی احترام بگذارد و شاعر بتواند احساس خود را بی‌هیچ دغدغه‌ای بیان کند. سعدی هم‌زمان و یا پیش از دیگر شاعران هم‌عصرش در جهان، توانسته بود که در غزل، مکتب آفرین باشد، چنان که این مکتب تا امروز نیز پاییده است و پیروانی دارد.

ساختار شعر غنایی فارسی در اوایل قرن ششم هجری شکل گرفته اگرچه برخی ردپای آن را در آثار بازمانده قرن چهارم نیز جستجو می‌کنند. از این زمان است که حماسه‌سرایی و یا داستان‌های قهرمانی جای خود را به تدریج به شعر غنایی و بیان احساسات و عواطف فردی می‌دهد. رونق غزل در ایران با سنایی آغاز می‌شود و با مولوی و سعدی و حافظ به اوج می‌رسد.

غزل‌های سعدی نیز در قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی)، در زمانی سروده شده است که پترارک در ایتالیا سونت می‌سرود. به دلیل ویژگی‌های انسانی و فردی، درونمایه شعر غنایی، در کشورهای مختلف با هم همخوان‌تر است تا آثار حماسی قومی.

غزل سعدی آمیزه انگیزه و ساحت اندیشه است. سبک او را «سهل و ممتنع» خوانده‌اند و معنای غزلش را برخی زودیاب یافته‌اند، اما برخلاف این باور، هنوز در تقسیم‌بندی غزل‌های سعدی اجماعی وجود ندارد.

استادان؛ فروغی و یغمایی غزل‌های او را به دو بخش «موعظه و حکمت» و «مغازله و معاشقه» تقسیم می‌کنند. برخی چون دشتی، پورنامداریان، شمیسا و کاتوزیان آن را عاشقانه و با الهام از تقسیم‌بندی تاریخی اوج غزل عاشقانه می‌دانند. برخی چون ضیاء موحد آن را به عاشقانه، عارفانه و پندآموز تقسیم می‌کنند و کسانی چون دکتر حمیدیان آن را عارفانه، آشکارا عارفانه و آشکارا غیرعارفانه می‌نامند.

اما همه این تقسیم‌بندی‌ها بن‌مایه‌ای مشترک دارد و آن «عشق» است. این پرسامدترین واژه در ادبیات فارسی که به تنهایی بیش از ۵۰۰ بار و با ترکیبات عاشق و معشوق و محبوب و... نزدیک به ۱۰۰۰ بار در غزلیات سعدی تکرار شده است.

تفاوت نگاه سعدی‌پژوهان در تفسیر این عشق است و در اصل آن، به عنوان دغدغه اصلی در غزل و دیگر آثار سعدی تردیدی ندارند. شاید بتوان بر تقسیم‌بندی‌های گفته شده این نظر را نیز افزود که سعدی شاعر عشق و همه غزل‌های او «عاشقانه» است. گاهی این عشق کاملاً زمینی، ملموس، دریافتنی و گاهی متعالی، آرمانی و آسمانی است. از آن‌جا که در این فرصت امکان پرداختن گسترده به این موضوع وجود ندارد، اجازه می‌خواهم که تفصیل بحث را به زمانی دیگر واگذارم و تنها به نکته‌ای که نیاز امروز جامعه ادبی و دانشجویان و علاقه‌مندان به آثار ماندگار و کهن زبان فارسی است، اشاره کنم؛ بی‌شک بازخوانی ادبیات کهن با خوانش‌های گوناگون و دریافت‌های گوناگون هم ضروری است و هم طبیعی.

در جهان امروز و براساس نظریه‌های نوین نقد ادبی این نظریه به باور عمومی رسیده است که «متن باز» را تنها مؤلف (نویسنده و شاعر) معنی‌گذاری نمی‌کند؛ چرا که پی بردن به نیت قطعی مؤلف ناستوار و خدشه‌پذیر است.

و از سوی دیگر «خواندن کاری انفعالی و غیرخلاق نیست و هر خواننده، نقشی اساسی در تعیین معنای متن، بازی می‌کند» (میلانی، ۱۳۷۸: ۷۸) و به باوری «هیچ متنی

معنای مطلق ندارد. معنای هر متن عارضی است، یعنی تابعی است از فرهنگ حاکم بر زمان قرائت و نیز اندیشه و توان خواننده». (اُیس تایسن، ۱۳۷۸: ۲۷۳).

در واقع برداشت نسبی هر یک از ما از متن می‌تواند بخشی از حقیقت را در خود داشته باشد. بر این اساس می‌توان برداشت‌های گوناگون از شکل و درونمایهٔ غزل‌های سعدی را که هر کس از نگاه خود یار او شده است، محترم شمرد و آن را به فال نیک گرفت.

سخن بیرون مگوی از عشق سعدی سخن عشق است و دیگر قال و قیل است

(سعدی، ۱۳۸۵: ۵۶۵)

منابع:

۱. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۵). کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.
۲. عبادیان، محمود (۱۳۸۹). تکوین غزل و نقش سعدی، تهران: نشر اختران.
۳. میلانی، عباس (۱۳۷۸). تجدد و تجدد ستیزی در ایران، تهران: نشر اختران.
۴. تایسن، اُیس (۱۳۸۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر، ترجمه: مازیار حسین‌زاده، فاطمه حسینی، ویراستار دکتر حسین پاینده، تهران: نشر نگاه امروز.